

بررسی سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه

دکتر ابراهیم متقی^۱ - ابراهیم سعیدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۳۰

چکیده:

شکل‌گیری بحران سوریه همزمان با پیدایش بهار عربی و بیداری اسلامی بود، برخی تحلیلگران سیاسی فکر کردند بحران سوریه نیز از جنس جنبش‌های انقلابی کشورهای منطقه است، اما شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و بنیادگرایان تکفیری- سلفی که در فعالیتی همسو با یکدیگر علیه منافع ملت سوریه، این کشور را عرصه تاخت و تاز خود قرار داده‌اند، جمهوری اسلامی ایران را در موقعیتی قرارداد که دقیقت‌تحولات این کشور و منطقه را رصد نموده و در این جدال ژئوپلیتیکی، از منافع دولت و ملت سوریه حمایت نماید. با پیچیده‌تر شدن دامنه درگیری‌ها و پیشروی‌های گروه‌های تروریستی در خاک سوریه و خطر حمله قریب الوقوع به مناطق تحت کنترل حکومت سوریه از جمله استان لاذقیه، رئیس‌جمهور سوریه از روس‌ها تقاضای مداخله مستقیم نظامی در خاک سوریه برای مقابله با تروریست‌های داعش و النصره را اعلام کرد. با حمایت ایران و عراق از مداخله نظامی روسیه در سوریه، ائتلافی در سوریه شکل گرفت که با واکنش بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی مخالف نظام سوریه همچون ایالات متحده، ترکیه و عربستان سعودی مواجه شد. این ائتلاف چهارگانه در مقابل ائتلاف ضد داعش به رهبری ایالات متحده تعریف شد و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی زیادی نیز به همراه داشته است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، ائتلاف، واقع‌گرایی، منافع ملی، خاورمیانه

^۱ - استاد و عضو هیئت علمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

A_Motaqi@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

ab_saeed1345@yahoo.com

بیان مسئله:

روابط ایران و سوریه از آن دست مناسباتی در جهان دیپلماسی است که به تداوم و گستردگی معروف شده است. اهمیت استراتژیک این روابط دوجانبه، اغلب کشورهای عمدهٔ عرب، اروپای غربی و آمریکا و اسرائیل را به خود مشغول ساخته است. با شروع و ادامه بحران در سوریه، اهمیت روابط ایران و سوریه دیگر برخلاف گذشته صرفاً در سطح دو جانبه و ابعاد امنیتی و ضداسرائیلی نیست، بلکه می‌توان گفت که این دو کشور، یک محور را تشکیل داده‌اند، محوری که آمریکا، اسرائیل، اروپای غربی و اکثر جهان عرب را متوجه خود ساخته است. این روابط شکل دهنده یک محور وسیع منطقه‌ای است که عراق و لبنان را در بر گرفته و موسوم به محور مقاومت است. اگرچه نزدیکی و همگرایی ایران اسلامی با سوریه لائیک جای تعجب دارد ولی دلایلی برای این نزدیکی مطرح است. از جمله :

۱- دولت سوریه، آخرین سنگر از کشورهای عربی است که همچنان در مقابل اسرائیل ایستاده است.

۲- سوریه در جنگ عراق علیه ایران، به دلایل مختلف از ایران حمایت می‌کرد و این برای ایران بسیار ارزنده و اساسی بود. ادامه این روند موجب تقویت روابط و رسیدن به مرز اتحاد شده است.

۳- در ادامه سوریه به دلایل خاص خودش، مسیر حضور ایران را در عرصه لبنان تأمین و تضمین کرد. این امر موجب پیدایش حزب الله، تشدید حرکت اسلامی در فلسطین اشغالی و اعمال فشار بر اسرائیل شد.

اکنون دشمنان محور مقاومت، سعی می‌کنند با تشدید بحران سوریه این محور را از بین ببرند. در این راستا کشورمان با ایفای نقش فعال و براساس سیاست خارجی خود به کمک سوریه رفته است.

سوال اصلی مقاله «راهبرد سیاست خارجی ایران در قبال سوریه چیست» است. برای رسیدن به پاسخ مطلوب سوالات فرعی زیر هم مطرح می‌شوند: کشورهای منطقه چه تاثیری بر بحران سوریه دارند؟ نگاه نظام بین‌الملل به بحران سوریه چگونه است؟ شناختن متغیرهای دخیل در این کار تحقیقی، کمک زیادی به خواننده در پیگیری مطلب دارد. با توجه به این مطلب، فرضیه اصلی این است که بعد از شروع بهار عربی، آمریکا و متحدان عرب منطقه‌ایش به فکر جدا کردن سوریه از محور مقاومت اسلامی با هدف ضربه زدن به ایران و تضعیف حزب الله لبنان برآمدند. جمهوری اسلامی ایران با درک این موضوع با بکارگیری سیاست خارجی واقع‌گرایانه، در صدد حفظ منافع ملی خود در سوریه برآمده است. هدف از انجام این پژوهش، دستیابی به درک صحیحی از رویکرد واقع‌گرایی جمهوری اسلامی ایران نسبت به بحران سوریه می‌باشد. می‌خواهیم ارزیابی صحیحی از مواضع و منافع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه و متغیرهای موثر در آن داشته باشیم. روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی و نوع پژوهش هم کاربردی است. این فرصت فراهم است تا کارشناسان وزارت امور خارجه از این مقاله بهره‌برداری نمایند. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است.

در رابطه با موضوع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و مناسبات سیاسی دو کشور ایران و سوریه کتب و مقالات متعددی در این زمینه وجود دارد که برخی از آنها
شرح زیر است :

— کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نوشته دکتر سید جلال دهقانی فیروز آبادی. در این کتاب نویسنده به بررسی موضوعات مختلف تئوری و عملی در سیاست خارجی کشورمان پرداخته است.

— کتاب الگو و روند در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نوشته دکتر زهره پوستین چی و دکتر ابراهیم متقی. این کتاب نیز در فصول مختلف سیاست خارجی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار داده است.

— کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسائل، نوشته دکتر منوچهر محمدی. در این کتاب نویسنده به بررسی اصول و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و مسائل جاری سیاست خارجی کشورمان پرداخته است.

— کتاب سیاست و حکومت در سوریه، نوشته محمد علی امامی. این کتاب نگاهی به تاریخ سوریه، ساختار اجتماعی، سیاسی اقتصادی، امنیتی و نظامی در سوریه دارد.

— کتاب سبز سوریه (وزارت امور خارجه)، این کتاب درباره رابطه کشور سوریه و ایران توسط اینجانب (۱۳۷۴) به نگارش در آمده است.

— مقاله تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه، نوشته سید شمس الدین صادقی و کامران لطفی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بهار ۱۳۹۴، نویسنده مواضع کشورمان را بر اساس واقع‌گرایی و حفظ منافع ملی دانسته است.

— مقاله علل همگرایی بین ایران و سوریه و تأثیر آن بر امنیت سیاسی ایران نوشته مهدی نطاق پور و محمدرضا بشارتی. فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی اسفند ۱۳۹۰،

نویسنده ضمن بررسی علل سیاسی، دینی، امنیتی، اقتصادی همگرایی، پیشنهاداتی در عرصه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ارائه کرده است.

— مقاله بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها نوشته سید امیر نیاکویی و حسین بهمنش. پرتال جامع علوم انسانی، نویسنده انگیزه‌های آمریکا، ترکیه و عربستان را بررسی کرده و تاکید نموده که منافع این سه کشور در سوریه همپوشانی کاملی داشته و انگیزه مشترک هر سه را جلوگیری از قدرت یابی ایران در منطقه دانسته است.

البته بحران سوریه، سبب شده تا علاقمندان و تحلیلگران بیشماری اقدام به تهیه مقالات تحلیلی در خصوص بحران سوریه نمایند که بررسی آنها از حوصله این مقاله خارج است. علاوه بر کتب و مقالات مذکور، از سایت‌های علمی و معتبری همچون پایگاه مجلات تخصصی نور، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، کتابخانه دیجیتالی دید، کتابخانه وزارت امور خارجه، پایان نامه‌های دانشجویی دانشگاه علامه طباطبائی، همچنین دیدار و گفتگو با برخی از مسئولین وزارت امور خارجه از جمله سفیر کشورمان در سوریه، رئیس اداره اول خاورمیانه و شمال آفریقا و تجربیات میدانی ۲۰ ساله نویسنده مقاله در حوزه خاورمیانه و بویژه اقامت چند ساله در لبنان و سوریه استفاده شده است.

مبانی نظری:

ارزیابی‌های مختلفی از سیاست خارجی ایران شده است. برخی از منظر واقع‌گرایی تحلیل کرده‌اند که سیاست خارجی بعد از انقلاب ناموفق و ناکارآمد بوده است. برخی

دیگر از منظر ایدئولوژی بررسی کرده و سیاست خارجی کشور را موفق و مطلوب ارزیابی کرده‌اند. رویکرد سوم ما بین دو رویکرد قبلی است و سیاست خارجی ایران را مانند سایر کشورها ترکیبی از موفقیت و شکست و ناکامی می‌دانند. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۷: ۱۰)

سیاست خارجی شامل تعیین و اجرای یک سلسله اهداف و منافع ملی است که در صحنه بی‌المللی از سوی دول‌ها انجام می‌پذیرد. گرچه اهداف روشن و واقعی سیاست خارجی، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، اما همه کشورها دارای اهداف کوتاه مدت، اهداف میان مدت و اهداف بلند مدت می‌باشند. عدم شناخت این اهداف، مشکلات و محدودیت‌های آن، سبب بروز رویکردهای متعارض نسبت به سیاست خارجی می‌شود.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس منافع ملی پایه‌گذاری شده است. جمهوری اسلامی ایران از کشورهای شیعه و احزاب نزدیک به خود حمایت می‌کند. فارسی‌زبانان افغانستان و تاجیکستان، حزب‌الله لبنان، حماس و برخی از گروه‌های شیعه عراق در سیاست خارجی کشورمان جایگاه انکار ناپذیری دارند. دفاع از فلسطین، لبنان و سوریه به خاطر منافع ملی و ایجاد سنگری خارج از کشور در مقابل اسرائیل و آمریکا است. واقع‌گرایی و حفظ و توسعه منافع ملی، سود و زیانی را برای سیاست خارجی ایران ترسیم کرده است به نحوی که مثلاً با هند، ارمنستان، روسیه و چین (کشورهای غیر مسلمان) روابط بسیار خوبی دارد. الگوی واقع‌گرایی سبب شده که حتی با مارکسیست‌ها و چپ‌گرایان آمریکای لاتین نیز رابطه داشته باشیم. اما در همین حال از شیعیان آذربایجان یا مسلمانان چین، روسیه و برمه حمایت نمی‌کند. ایران هرکجا که برای منافع ملی‌اش تعیین کننده باشد وارد می‌شود و رفتارش با مکتب واقع‌گرایی نزدیکی بسیار زیادی دارد.

واقع‌گرایی نو کلاسیک

واقع‌گرایی نو کلاسیک عنوانی است که گیدئون رز به مجموعه‌ای از آثار در روابط بین‌الملل داده است که در تبیین سیاست خارجی و فراتر از آن، در توضیح روابط بین‌الملل، از بینش‌های واقع‌گرایی استفاده می‌کنند. واقع‌گرایان نوکلاسیک برآنند که گستره و بلندپروازی سیاست خارجی یک کشور در وهله نخست ناشی از جایگاه آن در نظام بین‌الملل و به ویژه توانمندی‌های آن در زمینه قدرت نظامی است. اما در عین حال تأکید دارند که تأثیر این توانمندی‌ها بر سیاست خارجی غیر مستقیم و پیچیده است، زیرا فشارهای نظام باید از طریق متغیرهای میانجی در سطح واحدها تبیین شوند. به همین دلیل است که آنها نو کلاسیک‌اند. نو کلاسیک‌ها برخلاف واقع‌گرایان تنها به عوامل سطح نظام توجه ندارند، بلکه برآنند که برداشت‌های ذهنی و ساختار داخلی دولت‌ها نیز حائز اهمیت‌اند. نوکلاسیک‌ها را می‌توان در دو مقوله تهاجمی و تدافعی گنجاند.

الف- واقع‌گرایی تهاجمی: واقع‌گرایان تهاجمی چنین استدلال می‌کنند که آناشری دولت‌ها را وادار می‌سازد قدرت نسبی خود را به حداکثر برسانند. امنیت و بقا در درون نظام بین‌الملل هرگز قطعی نیست و دولت‌ها می‌کوشند با به حداکثر رساندن قدرت و نفوذ خود، امنیت خویش را به حداکثر برسانند. از دید واقع‌گرایان تهاجمی، آناشری بین‌المللی حائز اهمیت زیادی است. در این وضعیت، امنیت امری کمیاب است و دولت‌ها می‌کوشند با به حداکثر رساندن قدرت خود به آن نائل شوند. این گروه معتقدند که امنیت به اندازه‌ای در یک نظام خودیار مهم و پیچیده است که دولت‌ها تا آنجا که امکان داشته باشد، به سوی کسب قدرت بیشتر سوق داده می‌شوند. در واقع، قدرت بیشتر به

معنای امنیت بیشتر است. هر اندازه که قدرت یک دولت افزایش می‌یابد، این دولت به سیاست‌های خارجی توسعه طلبانه تری روی می‌آورد.

بنابراین، از دیدگاه واقع‌گرایان تهاجمی ایران کشوری است که در نظام بین‌الملل به دنبال به حداکثر رساندن قدرت برای دستیابی به امنیت بیشتر است. هر اندازه ایران به قدرت بیشتری دست می‌یابد، سیاست‌های تجاوزکارانه و توسعه طلبانه بیشتری را دنبال می‌کند. از نظر این گروه، امنیت ایران با کسب قدرت بیشتر تأمین می‌شود و از آنجایی که ایران در پی تأمین امنیت و افزایش قدرت خود است، به سوی سیاست‌های تجاوزکارانه و توسعه طلبانه سوق داده می‌شود.

از نظر واقع‌گرایان تهاجمی از آنجا که ایران به دنبال افزایش قدرت خود برای تأمین امنیت است، همواره سیاست‌های تهاجمی را در پیش می‌گیرد. واقع‌گرایان تهاجمی تمام رفتار خارجی ایران را در راستای تجاوزگری و افزایش قدرت تحلیل می‌کنند و بر این اعتقاد هستند که ایران همواره دولتی است که به دنبال افزایش قدرت و تأمین امنیت بوده و در این راستا، برای رسیدن به اهداف خود، سیاست‌های تجاوزکارانه و توسعه طلبانه را در پیش می‌گیرد.

ب- واقع‌گرایی تدافعی: واقع‌گرایان تدافعی نیز به رابطه میان آنارشی و الزامات نظام بین‌الملل از یک سو، و رفتار دولت‌ها از سوی دیگر، توجه دارند، اما رابطه را پیچیده‌تر می‌بینند. فرض واقع‌گرایی تدافعی این است که آنارشی بین‌المللی معمولاً خوش‌خیم است یعنی امنیت چندان نایاب نیست و فراوان است. در نتیجه، دولت‌ها که این را در می‌یابند، رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آنها وجود دارد نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و این واکنش نیز اغلب تنها در

سطح موازنه و بازداشتن تهدیدگر است. تنها در شرایطی که معضل امنیت خیلی جدی می‌شود واکنش‌های سخت به شکل بروز تعارضات رخ خواهد داد. استفن والت به عنوان مهمترین واقع‌گرای تدافعی بر اهمیت موازنه تهدید به جای موازنه قدرت تأکید دارد. تهدید عبارت است از ترکیبی از قدرت تهاجمی دولت، توانمندی‌های نظامی، نزدیکی جغرافیایی و نیت تجاوزکارانه احتمالی آن. پس صرف قدرت مهم نیست و سایر عوامل نیز مهم‌اند. منظور او این است که آنچه در روابط میان دولت‌ها حائز اهمیت است برداشت آنها از یکدیگر به عنوان تهدید است و نه صرف میزان قدرت هر یک از آنها. دولت‌ها در برابر آن دسته از دولت‌هایی دست به موازنه می‌زنند که تهدیدی فوری نسبت به موجودیت یا منافع آنها باشد. امنیت در شرایطی افزایش خواهد یافت که ایجاد موازنه به هنجار بدل شده باشد و کمک و نفوذ بیگانه علل نسبتاً ضعیفی در شکل‌گیری ائتلاف‌ها باشند.

از دیدگاه واقع‌گرایی تدافعی آنچه رفتار خارجی ایران را شکل می‌دهد، قدرت طلبی ایران برای تأمین امنیت بیشتر نیست. زیرا افزایش قدرت ایران امنیت بیشتری را برای آن به دنبال نخواهد داشت. آنچه نقش تعیین‌کننده در سیاست خارجی و امنیتی دارد وجود تهدید و برداشت ایران از این تهدید است. وجود تهدید برای ایران باعث شکل‌گیری موازنه و اتحاد ایران با کشورهای است که منبع تهدید آنها مشترک است.

در این پژوهش نیز سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سوریه از دیدگاه واقع‌گرایی تدافعی بررسی شده است. زیرا آنچه که باعث همگرایی و اتحاد این دو کشور شده است وجود تهدید مشترک یعنی اسرائیل و هم پیمانان این رژیم در منطقه است. وجود تهدید مشترک و برداشت ایران از این تهدید باعث شکل‌گیری موازنه و اتحاد ایران با سوریه شده است که منبع تهدید آنها مشترک است. زیرا وجود رژیم

صهیونیستی در منطقه امنیت هر دو کشور را تهدید می‌کند. هر دو کشور در منطقه به دنبال حفظ وضع موجود هستند و می‌خواهند به امنیت دست یابند. سقوط حکومت اسد به منزله از دست رفتن سوریه است که به عنوان محور مقاومت اسلامی محسوب می‌شود. البته در این میان جمهوری اسلامی ایران دنبال حفظ محور شیعیان و حزب الله بویژه در لبنان، در قالب منافع ملی خود است. می‌توان اینطور گفت که سیاست خارجی ایران در سوریه بر پایه واقع‌گرایی و جلب حداکثری منافع ملی پیگیری می‌شود.

شکل‌گیری بحران سوریه در سال‌های اخیر نیز موجب همگرایی و اتحاد بیشتر دو کشور ایران و سوریه شده است. زیرا این بحران تهدیدی مشترک علیه امنیت هر دو کشور محسوب می‌شود. ایران به عنوان متحد استراتژیک سوریه به دنبال حفظ حکومت بشار اسد در سوریه است و دو کشور در پی آنند که موازنه‌ای در برابر این تهدیدات به وجود آورند.

علیرغم مطالب نظری فوق، به چند دلیل نمی‌توان معیار ثابتی برای ارزیابی سیاست خارجی کشورها داشت. اول اینکه سیاست خارجی همه کشورها اهداف کوتاه، میان و بلند مدت دارد. قضاوت در مورد کلیت آن در کوتاه مدت امکان پذیر نیست. دوم اینکه سیاست خارجی دارای اهداف و منافع متعدد و پراکنده است و ممکن است در تحقق برخی موفق و برخی ناکام باشد. ممکن است تحلیل بر اساس فایده و ضرر باشد در حالیکه شاید لازم باشد برای تحقق هدف مهمتر برخی منافع را قربانی کرد. این اصل در مورد سیاست خارجی ایران در قابل سوریه می‌تواند مصداق داشته باشد. سوم اینکه انتخاب معیاری برای قضاوت موفقیت و یا شکست سیاست خارجی به آسانی مقدور نیست. زیرا معیارهای واحد و متفق‌القولی وجود ندارند. حتی در صورت وجود، بعلت

زمان و مکان مختلف نمی‌تواند عامل دقیق ارزیابی باشند. چهارم رویکرد نظری تحلیلگر سیاست خارجی، نقش تعیین کننده‌ای در ارزیابی دارد.

تاثیر ورود کشورهای منطقه در بحران سوریه

از زمان آغاز بحران در سوریه، تهران بر روی دو تهدید تمرکز کرده است، تهدید نظامی از جانب اسرائیل و آمریکا و تهدید از سوی رقبای محلی که تلاش می‌کنند نقش منطقه‌ای ایران را تضعیف کنند. تهدید مستقیم، از طرف آمریکا و متحدانش متوجه ایران است چرا که با تغییر رژیم در سوریه نقش منطقه‌ای ایران ضربه بزرگی خواهد خورد، مواضع هسته‌ای این کشور دستخوش آسیب و تزلزل خواهد شد و موجودیت نظام ایران نیز آسیب پذیر می‌شود. این درحالیست که رقبای منطقه‌ای ایران از جمله عربستان، قطر و ترکیه نیز تلاش می‌کنند با استفاده از بحران سوریه جایگاه و نفوذ منطقه‌ای ایران را به چالش بکشند. حضور نیروهای جهادی در بحران سوریه نیز در راستای تضعیف موقعیت ایران صورت گرفته است. محور سه گانه عربستان سعودی و ترکیه و قطر به منظور پیشبرد سیاست‌های منطقه‌ای خود و به نیابت از قدرت‌های بزرگ در مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه، اقدام به دخالت در بحران سوریه نمودند تا محور مقاومت اسلامی را در سوریه بشکنند.

سه کشور مذکور با استفاده از سه بازوی رسانه، پول و حمایت قدرت‌های بزرگ با تشکیل نیروهای نظامی معارض دولت سوریه، سعی کردند با نفوذ ایران در سوریه مقابله نمایند. تشکیل گروه‌های سلفی و رفتار غیر انسانی این گروه‌ها و فعالیت‌های تروریستی آنها در سطح منطقه و جهان نشان داد این سیاست شکست خورده است. آن چه درباره محور سعودی و ترکیه‌ای و قطری جالب توجه است این بوده که این محور سیاست

جدیدی را با راهبردی جدید دنبال می‌کند و این بار به جای حمایت آشکار از دو گروه معروف جبهه النصره و الدوله الاسلامیه داعش اکنون حمایت‌های خود را از گروه‌های جدید التاسیس تندروی دیگری مثل الفتح آغاز کرده است که این گروه‌ها همسو با دو گروه قبلی هستند و قطر و ترکیه و عربستان از این طریق می‌کوشند از اتهامات مربوط به حمایت از گروه‌های تروریستی تبرئه شوند. (خبرگزاری تسنیم ۱۳۹۴/۲/۷) البته هرکدام از این سه کشور اهداف خاص خود را در سوریه دنبال می‌کنند ولی در مقابله با قدرت ایران در منطقه اشتراک نظر داشتند. عربستان با جذب قطر و ترکیه سعی نمود به ایران فشار آورد ولی سیاست‌های اصولی ایران در منطقه و بکارگیری رویکردهای جدید توانسته است این فشار را دفع و حتی موقعیت منطقه‌ای کشورمان را تقویت کند.

شاید برای برخی این سوال مطرح شود که آیا حمایت ایران از سوریه باعث شکل‌گیری یک ائتلاف از کشورهایی همچون ترکیه، عربستان، اردن و قطر علیه ایران نشده و این مسئله به زیان منافع ملی ایران نیست؟، قطعاً موضع ایران در قبال سوریه هزینه بالایی داشته است و در این مسئله هیچ شکی وجود ندارد. این تصور که ائتلاف شکل گرفته در منطقه علیه ایران نتیجه موضع ایران در قبال سوریه است اشتباه است و از بحث موضع ایران در قبال سوریه تنها به عنوان یک محمل استفاده می‌شود. چه زمانی عربستان در جبهه ایران بوده که اکنون نیست؟ ترکیه که عضو ناتو است مگر می‌تواند بخشی از سیاست‌های هم پیمانی با ایران باشد؟ اگرچه قطر رفت و آمدهایی با ایران داشته اما بزرگترین پایگاه‌های آمریکا در این کشور قرار دارد. ائتلاف شکل گرفته علیه ایران به مجموعه‌ای از شرایط جدید سیاسی بر می‌گردد که مهمترین آن بحث بیداری اسلامی در منطقه است که منافع آمریکا را تهدید کرده است.

نگاه ترکیه به بحران سوریه: رفتار و عملکرد دولتمردان آنکارا به بحران سوریه دارای فراز و نشیب قابل ملاحظه ایی بوده است. مجموعه سیاست‌های دولت ترکیه در به صفر رساندن مشکلات با همسایگان، نگاه به شرق و افزایش تعاملات با حوزه پیرامونی سه محور اساسی عملکرد حزب عدالت و توسعه در سال‌های اخیر باشد ولی تزریق برخی نگاه‌های بلند نظرانه همانند احیای امپراطوری عثمانی یا تفکر نئو عثمانیزم، پرش به سوی قدرت اول منطقه شدن و تمرکز بر پیوندهای سیاسی اقتصادی و حتی امنیتی فرامنطقه‌ای در نگاه آنکارا سبب شد تا در دوره جدید حاکمیت حزب نوگرای عدالت و توسعه تغییراتی رخ دهد که نشان از پیوندها، نگاه‌ها و اقدامات نوین این کشور دارد.

در چنین فضایی دو دیدگاه درباره نحوه رفتار دولت ترکیه در خصوص تحولات منطقه قابل اثبات است. برخی به روند طبیعی رفتار سیاسی دولتمردان حزب عدالت و توسعه معتقدند و برخی دیگر براین باورند که نحوه عملکرد ترکیه در تحولات سیاسی اخیر چشم انداز نوینی از نگاه رویکرد و حتی اقدامات مختلف را بگونه‌ای توجیه می‌کند که نشان از چرخش‌های اساسی و حرکت بسوی احیای امپراتوری عثمانی دارد.

نگاه عربستان و قطر به بحران سوریه: رابطه عربستان و قطر در بحران جاری سوریه را می‌توان به صورت مشخص از نوع موضع‌گیری عربستان نسبت به سوریه پس از موضوع سین سین (سوریه- سعودی) در ماجرای دادگاه ویژه ترور رفیق حریری و همچنین مداخله مستقیم قطر در خصوص ابقای سعدحریری نخست وزیر سابق لبنان در این پست در نظر گرفت. در واقع قبل از شروع بهار عربی و برافتادن حکومت‌های موافق آمریکا در منطقه خاورمیانه، اولین حکومت عربی که برافتادن آن در ماه‌های نوامبر و دسامبر ۲۰۱۰ مورد مناقشه بود حکومت سعد حریری در بیروت می‌باشد، که با سقوط این حکومت در ژانویه ۲۰۱۱، بحث براندازی حکومت سوریه به رهبری بشار اسد مورد

توافق قرار گرفت و از سوی قطر و ترکیه و موافقت عربستان عنوان شد. بهار عربی در تونس و مصر و نتایج حاصل از آن و درگیری‌های لیبی و یمن فرصتی را برای کشورهای مخالف حزب الله و مقاومت در منطقه فراهم آورد تا موضوع انتقام از بشار اسد و شکستی که بخاطر عدم همراهی وی با سیاست‌های منطقه‌ای آنان فراهم ساخته بود را با برنامه ریزی قبلی دنبال نمایند.

اگر چه قطر در اواسط راه از سوی ترکیه و عربستان کنار گذاشته شد. ولی بطور کلی هر سه کشور مذکور دنبال حیای قدرت منطقه‌ای خود و جلوگیری از افزایش نقش و نفوذ ایران در منطقه بودند. در این میان عربستان، صحنه سوریه را محلی برای تسویه حساب سیاسی خود از ایران بخاطر شکست در صحنه عراق می‌دید. اگر چه ایران برای نشان دادن حسن نیت خود با کنار رفتن نوری المالکی همراهی کرد ولی عربستان دنبال تبدیل حکومت شیعی عراق به حکومت سنی بود که هرگز نتوانست به آن برسد.

نگاه آمریکا به تحولات سوریه: تغییر حاکمیت در سوریه با توجه به معادلات سنتی در منطقه از فوریت بیشتری برای غرب برخوردار شد تا به این وسیله جایگاه قدرت‌های رقیب در محیط مدیترانه، تغییر موازنه محدود به نفع رژیم تل آویو، تنزل پاسخ راهبردی کشورهای منطقه در صورت یک درگیری راهبردی در منطقه، مجبور نمودن ایران به تغییر یارگیری منطقه‌ای و تولید یک شیب جدید در مدیریت جنگ‌های نامنظم و نامتقارن و به هم زدن پیوستگی جدید ژئوپلیتیکی میان سوریه، ایران، عراق و ترکیه را دنبال نماید.

اهداف کلان آمریکا در سوریه را می‌توان اینگونه برشمرد: تغییر حاکمیت موجود بر سوریه، تلاش جهت تحمیل مدل حاکمیتی به سبک غرب در سوریه، تغییر توازن داخلی

سوریه با توجه به ایجاد و جذب و مدیریت اپوزیسیون، تغییر معادلات و جهت‌گیری سیاست خارجی سوریه، دفع سیاست‌های روسیه، چین و ایران در خاورمیانه. در واقع آمریکا و شرکای منطقه‌ای آن شرایط بسیار خطرناکی را به وجود آورده اند و این موضوع تهدیدی برای همه جهان است. واضح است که ایران در برابر چنین وضعی، انتخابی به جز واکنش در برابر آنان ندارد. بنابراین درجه تغییر در سیاست های منطقه ای ایران مستقیماً به درک تهدیدهای موجود از جانب واشنگتن و متحدانش علیه این کشور بستگی دارد.

از نگاه ایران، آمریکا، انگلیس و فرانسه تمایلی به پایان بحران سوریه ندارند اما با توجه به شکست داعش و گروه‌های جهادی در مناطقی از خاک سوریه (بویژه بعد از شروع حملات هوایی روسیه)، بعضی از کشورهای منطقه شروع به بازنگری در سیاست‌های خود درباره سوریه کرده‌اند. این کشورها با ابتکار عمل روسیه برای حل بحران سوریه همراهی نمودند و در نشست وین شرکت کردند و برای اولین بار از ایران هم برای حضور در نشست وین درباره سوریه دعوت کردند. کشورهای منطقه به این نکته واقف شدند که ایران بدنبال توسعه طلبی و دست اندازی به خاک سوریه نیست. در عین حال خطوط قرمزی در سوریه دارد که برگرفته از واقعیت‌های میدانی است. در واقع می‌توان گفت سیاست واقع‌گرایانه ایران (در کنار متغیرهای منطقه‌ای و بین‌المللی) بوده که سیر تحولات سوریه را به جای کشاند که توانست حضور تاثیرگذار خودش در سوریه را به سیستم بین‌المللی بقبولاند و به نشست‌های بین‌المللی سوریه، دعوت شود.

نگاه روسیه به سوریه: در این رابطه نگاه مثبت و منفی وجود دارد. افراد بدبین دلایل زیر را می‌آورند: روسیه دنبال حفظ منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی، حفظ توازن قدرت در جهان، احیای نقش روسیه به عنوان یک قدرت جهانی و ایجاد یک امپراطوری (به خاطر

ویژگی‌های شخصیتی پوتین) است. حضور روسیه موجب توسعه تروریسم و تبدیل گروه‌های میانه رو به گروه‌های افراطی شود. مداخله نظامی کلاً امنیت زدا است و برای امنیت تمامی کشورها خطرناک است. حضور روسیه سبب ایجاد شکاف منطقه‌ای بین ایران، ترکیه و عربستان شده است.

افراد خوش بین نسبت به ورود روسیه به سوریه نیز موارد زیر را ارائه می‌کنند: روسیه برای حفظ امنیت ملی خود و جنگ با داعش وارد سوریه شده تا بعداً مجبور به جنگ با داعش در داخل مرزهای خود و آسیای میانه و قفقاز نشود. روسیه با این کار تروریسم را به عنوان یک مسئله جهانی و بین‌المللی معرفی کرد. به دفاع از متحدین خود از جمله سوریه و ایران پرداخت (کمک به سیاست خارجی ایران در سوریه و نقش منطقه‌ای ایران) حضور روسیه در سوریه تغییر ساختار قدرت در این کشور را راحت تر خواهد کرد. (برزگر، خبرگزاری مهر، ۱۳۹۴/۸/۲۴)

برخی تحلیلگران معتقدند که راهبرد اصولی ایران در قبال بحران سوریه با ورود مستقیم نظامی روسیه دچار چالش شده است. نقش ایران به حاشیه رفته و روسیه جای ایران را گرفته و بدین صورت دستاوردهای مقاومت چهار ساله ایران در سوریه را بنفع خود مصادره می‌کند. در این خصوص باید تاکید شود راهبردهای سیاست خارجی ایران و روسیه در قبال سوریه اگرچه منافع طرفین را تامین می‌کند ولی تفاوت‌های ماهوی دارد. اهداف روسیه را می‌توان بشرح زیر بیان کرد:

الف) تقسیم حوزه نفوذ و منافع با آمریکا به ویژه پس از توافق هسته‌ای ایران با قدرت‌های جهانی. روسیه صرفاً قصد دفاع از منافع و امنیتش را دارد بنابراین به هیچ

وجه حاضر نیست ملزومات و مقررات رقابت و نزاع با آمریکا که خود آمریکا وضع کننده آن مقررات است را زیر پا بگذارد.

ب) روسیه در عملیات خود میان گروه‌های تروریستی هیچ تمایزی قائل نمی‌شود، بر عکس راهبرد آمریکائی که مبتنی بر تقسیم منطقه به فرقه‌ها و گروه‌ها و ادیان مختلف است و برخی تروریست‌ها را میانه رو و برخی دیگر را تندرو توصیف می‌کند.

ج) سوریه‌ای که به دامن آمریکا افتاده باشد برای مسکو به معنای گسترش جنگ تکفیری‌ها در جمهوری‌های مسلمان نشین روسیه تعبیر خواهد شد.

د) تغییر اولویت‌های نزاع در منطقه به این صورت که از ضعف سیاسی و اقتصادی اروپا همچنین گرفتاری متحدان منطقه‌ای آمریکا استفاده کند. روسیه سعی کرده است با اتکای به رعایت موازین و مقررات بین‌المللی و برای پوشش مشروعیت دخالت نظامی و کمک به سوریه به درخواست رسمی دولت سوریه تمسک جوید، بر خلاف ائتلاف بین-المللی زیر نظر آمریکا که حاکمیت سوریه را نقض کرده است.

ر) هدف از حضور مستقیم نظامیان روسیه در سوریه حمایت از نظام سوریه در تضمین ادامه حیاتش در ساحل مدیترانه است تا بدین وسیله امکان شکسته شدن محاصره غربی‌ها علیه نظام سوریه در این منطقه فراهم شود.

و) حمایت از بشار اسد بعنوان شریک استراتژیک خود و جلوگیری از روی کار آمدن دولت نزدیک به غرب در سوریه، مقابله با جریان‌های افراط‌گرای مذهبی که از قفقاز به سوریه آمده‌اند، حفظ موقعیت خود در سوریه به ویژه در طرطوس بعنوان مقابله با ورود آمریکا به اوکراین که حیات خلوت روسیه بود.

هر چند دخالت روسیه در سوریه امر تازه‌ای نیست ولی کیفیت نوین این دخالت به صورت فعلی سبب خواهد شد تا مدیریت بحران در سوریه بجای ایفای نقش قدرت‌های منطقه‌ای بر عهده دو قدرت بزرگ جهانی بیافتد و این دو قدرت در صحنه سوریه رو در روی همدیگر قرار گیرند و البته عواقب چنین مساله‌ای کاسته شدن از نفوذ قدرت منطقه‌ای ایران و آسیب پذیر شدن منافع آن خواهد بود.

سفیر کشورمان در سوریه در خصوص ائتلاف ایران و روسیه می‌گوید مهم شکست خوردن تروریسم در سوریه است. مهم نیست چه کسی برنده می‌شود. ائتلاف ایران و روسیه در سوریه بسیار مقاوم تر از ائتلاف شکننده آمریکا در عراق در مبارزه با داعش است. ایران و روسیه می‌توانند نقش همدیگر در سوریه را تکمیل کنند. ایشان معتقد است وجه مشترک ایران و روسیه، یافتن یک راه حل سیاسی است که اولاً مبتنی بر تصمیم و اراده مردم سوریه و در وجه دوم مقبول کلیه اطراف باشد. راه حلی که هیچ طرف احساس باخت نکند. راه حل سیاسی باید نتیجه پروسه اجماع و توافق گردهمایی سیاسی باشد. باید مکانیسم رسیدن به آن را مشخص کرد. نه اینکه روی رفتن بشار اسد اصرار شود. مردم سوریه خود باید درباره سرنوشتشان تصمیم بگیرند. در واقع هدف هر دو کشور یکی است ولی منافع حاصله از این هدف فرق می‌کند. (مصاحبه شیبانی سفیر کشورمان در سوریه با روزنامه خراسان ۱۳۹۴/۸/۱۶)

با توجه به تحلیل های تاریخی نسبت به رفتار روسیه و عدم تغییر ژئوپلیتیک و فرهنگ سیاسی روسیه می‌توان نتیجه گرفت که روسیه هرگز به ایران اعتماد نداشته و نگران رویکرد ایران در منطقه بوده است. در واقع ما و روسیه امروز در سوریه تهدید مشترک داریم. همین عامل سبب نزدیکی مواضع درباره سوریه شده است. در حالیکه

تاریخ نشان می‌دهد روس‌ها با امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها و غربی‌ها راحت تر درباره مسائل منطقه به توافق می‌رسند.

فرصت‌ها و چالش‌های بحران سوریه برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

وقوع هر بحران در نزدیکی مرزهای یک کشور، بزرگترین چالشی است که گریبانگیر آن کشور خواهد

شد، بویژه اگر از نوع شدید و با مایه تروریسم و افراطی‌گرایی باشد. با این حساب مجموع چالش‌های پیش روی ایران را بدین ترتیب خلاصه می‌کنیم:

۱- امنیت: حراست از امنیت مرزهای کشور بزرگترین چالش پیش روی ایران می‌باشد. این وضعیت به این دلیل است که کشورهای بحران زده نه تنها با جنگ داخلی بلکه با پدیده‌ای به نام داعش روبرو هستند که دارای مشی افراطی و ایدئولوژی است که در آن شیعه به عنوان مسلمان جایی ندارد و کشتن آن جایز است. ایران به عنوان یک کشور شیعه باید هرگونه راه نفوذ افراطیون به مرزهای کشور را مسدود نماید. از سوی دیگر موضوع جمعیت کردنشین ایران در محدوده‌ای که کردهای سوریه و عراق در حال قدرت گرفتن هستند مستقیماً به امنیت مرزهای کشور مرتبط است چرا که به شدت ممکن است از فراسوی مرزها متاثر شود.

۲- هزینه‌های نظامی و اقتصادی: حراست از امنیت و منافع ملی کشور، موجب شده تا نیاز باشد که هزینه‌های نظامی برای جنگیدن و دفاع از مرزها و مناطقی که برای ایران مهم است، در نظر گرفته شود. این هزینه‌ها با طولانی شدن بحران و نیز لزوم دفاع از

متحدین ایران بیشتر می‌شود. هزینه‌های معنوی ناشی از شهادت نیروهای ایرانی را نیز باید به این هزینه‌ها افزود.

۳- چالش‌های سیاست داخلی: دولت یازدهم در ایران از ابتدای روی کار آمدن به شدت درگیر در مسائل سیاست خارجی شد. اولین و مهمترین رویداد حل مسئله هسته‌ای ایران بود که در یک روند نسبتاً طولانی انجام شد. اما در حالی که ایران تازه می‌خواست از این حیث نفس راحت بکشد بحران در نزدیکی مرزها باعث شد تا تمرکز دوباره بر خارج از مرزها گذاشته شود. این الزام دولت ممکن است باعث غفلت از سیاست‌های داخلی و وضعیت مردم شده و میزان نارضایتی از دولت را بالا ببرد.

۴- مدیریت سیاست خارجی: حل مسئله هسته‌ای به خوبی نشانگر سیاست خارجی فعال و مثبت ایران بوده است اما وقوع بحران در منطقه، سیاست خارجی ایران را با دشواری‌هایی رو به رو نموده است. از سویی حکومت اسد به عنوان یک متحد و بازوی اصلی سیاست خارجی ایران در منطقه مورد خطر است. از سوی دیگر اتحاد عربی- غربی هدف مشخصی برای مسدود کردن راه سیاست‌های منطقه‌ای ایران دارد. معضل دیگر نحوه کنترل آشوب‌های منطقه برای تسری نیافتن به مناطق دیگر مرزی ایران من جمله قفقاز و افغانستان و ... است که در این زمینه پتانسیل باروری افراطی‌گری را نیز دارا هستند.

اما از سوی دیگر درگیر شدن ایران در بحران سوریه و عراق دو نوع فرصت خلق می‌کند. اول فرصت‌های بالفعل که با ایفای نقش ایران به صورت خود به خود ایجاد شده‌اند. و دوم فرصت‌های بالقوه که باید از دل بحران بیرون کشید. فرصت‌های بالفعل را می‌توان چنین برشمرد:

۱- پذیرش نقش ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای که می‌تواند در حل بحران موثر باشد و برگزاری نشست در مورد موضوعات منطقه بدون حضور ایران ناقص است.

۲- پذیرش مسئولیت پذیری ایران در افکار عمومی علیرغم تبلیغات سوء ائتلاف ضد ایرانی به دلیل نقش مثبت ایران در جلوگیری از گسترش بحران داعش در مناطقی از عراق و نبرد متقابل با آنان.

۳- اتحاد با روسیه در برابر ائتلاف غربی- عربی که خود می‌تواند نشان از پذیرش سیاست‌های منطقه‌ای ایران توسط این کشور باشد.

۴- حضور مستقیم در مناطق مورد نظر و توان رصد و تاثیرگذاری بر اوضاع و در ادامه توان تصمیم‌گیری برای آینده منطقه در کنار دیگر قدرت‌ها.

اما فرصت‌های بالقوه را می‌توان به عنوان یک نتیجه‌گیری از بحث عنوان نمود. ایران در شرایط کنونی که در جوار خود منطقه‌ای آشوب زده را دارد الزاما باید هزینه‌های این چالش را بپردازد تا امنیت یعنی این مهمترین کالای سیاسی را حراست نماید. حال که گریز از این بحران ممکن نیست باید کوشید تا در کنار هزینه‌ها بتوان از آن امتیاز نیز گرفت. می‌توان موارد زیر را بازگفت:

۱- ایجاد روابط مناسب با گروه‌های داخلی به ویژه کردها: ایران هم اکنون پایگاه محکمی نزد شیعیان عراق به عنوان اکثریت این کشور دارد. ریشه‌های مشترک قومی با کردها می‌تواند راه را برای ایجاد روابط مناسب تر با آنان بگشاید. این مورد امتیازی است که اعراب و ترک‌ها از آن بی‌بهره‌اند. حمایت از کردها علاوه بر شیعیان، می‌تواند دو

بازوی قدرتمند مذهبی و قومیتی به ایران بدهد که در صورت هر اتفاق اعم از تجزیه و یا خودمختاری در این مناطق دست ایران برای پیگیری سیاست هایش را باز نگه دارد.

۲- ایجاد روابط محکم تر با روسیه: در شرایط کنونی نزدیکی دیدگاه دو کشور در مسائل منطقه باعث شده با یکدیگر همکاری نمایند. صرف نظر از نیت روسیه، ایران می‌تواند از نیاز کنونی روسیه برای داشتن متحدی همچون ایران در برابر ائتلاف غربی و عربی، برای ایجاد روابط مستحکم تر خصوصا در بخش نظامی و اقتصادی بهره گیرد.

۳- پررنگ نمودن نقش خود میان دیگر همسایگان: ترس از تروریسم داعشی باعث شده تا کشورهای شمالی ایران از قفقاز گرفته تا ماوراءالنهر و افغانستان و... با وحشت از نفوذ افراط گرایی سعی در توسل به قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای کنند. در این میان ایران با عملکرد مناسب در تقابل با داعش و دیگر تروریست‌ها، می‌تواند مستمسک خوبی برای این کشورها باشد که در عین حال حوزه مانور و تاثیرگذاری کشور را بالا خواهد برد.

۴- خنثی کردن اقدامات ضد ایرانی کشورهای منطقه: علاوه بر عملیات نظامی مسلما آینده سیاسی سوریه با مذاکره و دیپلماسی تعیین خواهد شد. حضور ایران در چنین مذاکراتی توان دفاع از منافع ملی خویش و خنثی نمودن اقدامات سوء علیه این کشور را ایجاد خواهد کرد که باید بتوان به بهترین نحو از آن بهره برد. (احمدی، تارنمای ایران بازگو)

البته در این میان نباید از شیطنت بدخواهان در منطقه بویژه عربستان غفلت کرد که همواره حضور ایران قدرتمند در منطقه را بر نمیتابند.

رویکردهای سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه

با شروع بحران سوریه، سیاست ایران در قبال سوریه وارد مرحله حساسی شده است. تحولات درونی سوریه، ابعادی جهانی یافته و این در حالی است که مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال رخدادهای این کشور بسیار مهم و تا اندازه‌ای تعیین کننده است. سه دیدگاه اساسی درباره نوع رویکرد سیاست خارجی ایران در قبال سوریه قابل ذکر می‌باشد:

الف) دیدگاه حقوق بشری: طرفداران این دیدگاه بر این باورند که حکومت بشار اسد و حاکمیت حزب بعث در سوریه دارای ساختار غیر دموکراتیک و ناعادلانه بوده و در جریان تحولات اخیر و برخورد با معترضان به نقض گسترده حقوق بشر پرداخته است و جمهوری اسلامی نیز باید با درک این موضوع، همگام با کشورهای غربی و برخی کشورهای منطقه‌ای، از جمله ترکیه و بیشتر کشورهای عضو اتحادیه عرب، در صف تحریم کنندگان سوریه قرار گرفته و سرانجام در راستای سقوط حکومت بشار اسد حرکت کند.

ب) دیدگاه صرفاً ایدئولوژیک: معتقدین به این دیدگاه بر این باورند که حکومت کنونی سوریه در صف جریان مقاومت منطقه بوده و موقعیت استراتژیکی این کشور به لحاظ همجواری با گروه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از آن جا که سقوط بشار اسد در صف جریان مقاومت خلل ایجاد می‌کند، باید در هر شرایطی، از سقوط حکومت سوریه جلوگیری کرد.

ج) دیدگاه ژئوپلیتیکی: معتقدین به این دیدگاه معتقدند جمهوری اسلامی یک قدرت منطقه‌ای است و یکی از مؤلفه‌های برتری قدرت ایران، ساختار سیاسی و امنیتی حاکم بر این منطقه است. ساخت قدرت در منطقه خاورمیانه، وجود گروه‌های مقاومت از جمله حزب الله، اتحاد محکم حکومت کنونی سوریه با جمهوری اسلامی، موقعیت استراتژیک این کشور عربی و بهار عربی موقعیت برتر جمهوری اسلامی را تحکیم بخشیده و سقوط حکومت سوریه به ویژه با دخالت خارجی، معادلات را به نفع رقبای منطقه‌ای و مخالفان فرامنطقه‌ای جمهوری اسلامی متحول خواهد ساخت، بنابراین، راهبرد جمهوری اسلامی باید مبتنی بر حفظ موقعیت کنونی سوریه باشد. صرف نظر از قضاوت درباره هر کدام از دیدگاه‌های فوق و اینکه چه بخشی از افکار عمومی را پوشش می‌دهند، به نظر می‌رسد هیچ کدام از این دیدگاه‌ها به تنهایی نتوانند ترسیم کننده راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سوریه باشد. در اوضاع کنونی، در پیش گرفتن راهبردی چند لایه و چند بعدی در دیپلماسی ایران نسبت به تحولات سوریه که در برگیرنده جنبه‌های گوناگون هر سه دیدگاه فوق باشد عقلانی‌تر است. در این راستا معاون عربی و آفریقایی وزارت امور خارجه نیز با بیان اینکه ایران در هر شرایط از جبهه مقاومت و شخص بشار اسد حمایت می‌کند گفت: سیاست خارجی ایران در خصوص بحران سوریه بر چهار محور استوار است، توقف خشونت و کشتار در سوریه، عدم مداخله سیاسی و نظامی بیگانگان و حفظ دولت بشار اسد و هم چنین ضرورت اصلاحات داخلی و رجوع به آرا مردم برای تعیین سرنوشت آینده کشور. (خبرگزاری ایسنا ۱۳۹۱/۹/۲۱) در این راستا موارد زیر قابل توجه می‌باشند:

الف) جمهوری اسلامی ایران که به ارزش‌های دینی و انسانی پایبند است نمی‌تواند در قبال خشونت سازمان یافته نسبت به معترضین در داخل سوریه بی تفاوت باشد،

بنابراین، لازم است از کانال‌های رسمی، حکومتی و غیر حکومتی از حکومت بشار اسد خواسته شود که خشونت و برخورد با معترضین و تظاهرکنندگان را متوقف کند.

ب) همزمان لازم است دستگاه دیپلماسی ایران تلاش نماید تا حکومت بشار اسد را متقاعد نماید در کوتاهترین زمان ممکن زمینه انجام اصلاحات گسترده را فراهم و با ایجاد نهادها و ساختارهای دموکراتیک به صورت ماهوی و واقعی در راستای ایجاد حکومتی دموکراتیک و مورد رضایت اکثریت مردمش حرکت نماید. چنین حکومتی ممکن است، لزوماً در آینده به رهبری خاندان اسد تشکیل نشود، ولی موقعیت کنونی سوریه را متزلزل نخواهد کرد.

ج) موقعیت منطقه‌ای ایران ایجاب می‌نماید برای پایان بخشیدن به وضعیت اسفناک داخلی سوریه و جلوگیری از رشد تروریسم در فضای بی ثبات سوریه، راهکارهایی برای پایان بخشیدن به بحران ارائه نماید. در این راستا طرح چهار ماده‌ای برای پایان بخشیدن به بحران سوریه ارائه شد. دستگاه سیاست خارجی کشور از همان ابتدا تاکید نمود که مردم سوریه خود باید آینده کشورشان را تعیین کنند. وزیر امور خارجه کشورمان اظهار داشته است: «سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال سوریه بر اصول روشن، منطقی و ثابت مبتنی است. ما معتقدیم مردم سوریه خودشان باید برای آینده و سرنوشت شان تصمیم بگیرند و دیگران حداکثر می‌توانند نقش تسهیل‌کننده در روند سیاسی سوریه و کمک به حل بحران داشته باشند». (خبرگزاری فارس ۱۳۹۴/۸/۱۳) متأسفانه دولت‌های بیگانه و خارجی به جای فرصت دادن برای ایجاد اصلاحات توسط دولت سوریه، بشار اسد را تحت فشار قرار داده‌اند و با مسلح کردن مخالفین و معارضین سوری، سعی دارند اوضاع را متشنج نشان دهند و اجازه ندهند مطالبات واقعی مردم از مجاری قانونی پیگیری شود.

از شروع بحران سوریه، مسئولین کشور در راستای اهداف سیاست خارجی کشور کمک‌های اقتصادی و مستشاری نظامی خود را به سوریه آغاز کرده است. این کمک‌ها در کنار عوامل دیگر، سبب شده که دولت بشار اسد پابرجا بماند. بدون شک دولتمردان به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های کشور واقف هستند و در همین راستا راهبردهای متنوعی را در قبال سوریه در پیش گرفته اند. در دوران آقای احمدی نژاد شاهد کمک‌های مالی (در قالب تامین کالا، سوخت، تجهیزات فنی و مهندسی نیروگاهی، دارو و تجهیزات پزشکی، مواد غذایی و...) بودیم. روند کمک رسانی‌ها در دوران آقای روحانی تغییر کرده و در قالب جدید ارائه می‌شود تا منافع ملی کشور را بیشتر تامین کند. البته تغییرات دوره آقای روحانی، تغییر در پارادایم‌های سیاست خارجی نیست، ولی می‌تواند تغییر در خط‌مشی باشد.

شاید برخی به کمک‌های کشورمان انتقاد داشته باشد ولی همانطور که قبلاً ذکر شد باید اهداف و منافع سیاست خارجی را در یک قالب کلی و در دراز مدت ارزیابی کرد. با روی کار آمدن دولت آقای روحانی و موفقیت در حصول توافق هسته‌ای و اجرایی شدن توافق برجام شاهد تغییراتی در رویکرد سیاست خارجی در قبال سوریه هستیم. دخالت مستقیم نظامی روسیه در سوریه این تغییرات را ملموس تر کرده است. روند واقع‌گرایی در سیاست خارجی کشورمان در قبال بحران سوریه روز به روز تقویت شده است.

در دولت آقای روحانی تغییراتی در سیاست خارجی ایران در قبال سوریه نسبت به دوره آقای احمدی نژاد روی داده است. ادبیات ناظر بر واقع‌گرایی از جمله حکمت و مصلحت در راهبردهای سیاست خارجی به چشم می‌خورد. راهکارهای عملیاتی نیز به نظر دچار تغییراتی شده است. ارائه طرح چهار ماده‌ای، حضور در کنفرانس وین، تاکید بر اصل قرارگرفتن خواست مردم درباره سرنوشت آینده سوریه و عدم دخالت خارجی از

جمله این تغییرات است. به نظر می‌رسد ظرفیت‌های دیپلماسی کشورمان برای پیگیری راه حل میانه برای بحران سوریه به نتایج مطلوبی رسیده است. حضور در نشست وین، درخواست کمک اولاند رئیس جمهور فرانسه برای مبارزه با داعش در سوریه (بعد از انفجارهای اخیر در پاریس) از جمله این دستاوردها می‌باشد. ایران تلاش می‌کند به کشورهای منطقه و فرمانطقه نشان دهد مبارزه با تروریسم اولین گام برای بازگرداندن صلح و امنیت به منطقه است. همانگونه که در اجلاس سوریه در نیویورک و بعد از تصویب قطعنامه ۲۲۴۴ شورای امنیت در قبال بحران سوریه (۱۳۹۴/۹/۲۷) جان کری وزیر خارجه ایالات متحده اذعان کرد طرح چهار ماده ای ایران برای بحران سوریه با قطعنامه شورای امنیت تشابهات زیادی دارد. بدینگونه شاهد به ثمر نشست سیاست واقع‌گرایانه کشورمان در قبال بحران سوریه هستیم.

بعبارت دیگر می‌توان گفت نقش جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک بازیگر تاثیرگذار در روند تحولات سوریه حایز اهمیت است. تداوم این بحران و شرایط حاکم بر آن در کنار روی کار آمدن دولت آقای روحانی فضا را برای بازیگری فعالانه ایران در بحران سوریه فراهم کرده است. در این راستا دو متغیر نقش مهمی داشته‌اند.

تغییر اول شرایط حاکم بر بحران سوریه می‌باشد. برای آن می‌توان به دلایل زیر اشاره کرد: فرسایشی شدن بحران سوریه و عدم امکان برتری یکی از طرفین از طریق نظامی، مشکلات اقتصادی کشورهای غربی، بروز فجایع انسانی مغایر با وجدان مشترک بشری از سوی داعش و گروه‌های تروریستی در سوریه، فقدان تاثیرگذاری مطلوب تدابیر بازیگران مخالف نظام بشار اسد در حل بحران، بی‌ثباتی داخلی و نوسانات سیاسی در کشورهای چون ترکیه و قطر به عنوان بازیگران منطقه‌ای بحران سوریه.

متغیر دوم شرایط داخلی ایران است. متغیرهایی مثل تغییر توازن قوا در منطقه به نفع ایران پس از انتخابات ریاست جمهوری اخیر و استقبال جهانی از آن، تداوم پیشرفت‌های فناوری صلح آمیز هسته‌ای ایران و نصب بیش از ۹۰۰۰ سانتریفیوژ جدید در کمتر از ۲ سال با وجود تحریم‌های اعمال شده غرب که راه را برای حصول به توافق بر سر فعالیت‌های هسته‌ای ایران هموار نمود و اجرایی شدن توافق برجام، احتمال وقوع تغییر در چرخه گفتمانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و پررنگ شدن وجوه ناظر بر واقع گرایی ملحوظ در آن یعنی حکمت و مصلحت را تقویت می‌کند.

به نظر می‌رسد رویکرد ایران درخصوص بحران سوریه به دو دلیل مبتنی بر تعامل با جامعه جهانی در جهت حل بحران و اصل قراردادان خواست مردم سوریه در تعیین ساختار آینده نظام سیاسی این کشور باشد. نخست به دلیل وقوع چرخه گفتمانی مورد انتظار در دولت و حاکمیت نوعی از آرمانگرایی واقع نگر بر سیاست خارجی ایران. دوم به دلیل تقویت بعد واقع گرایی در جهت ایجاد توازن و تعادل میان عناصر آرمان گرایی و واقع گرایی. (عزیز عباسی، ۱۳۹۲)

نتیجه‌گیری:

سیاست‌های اصولی و منطقی جمهوری اسلامی در سوریه سبب شد که مخالفان بشار اسد نتوانند طی پنج سالی که از شروع بحران می‌گذرد در فروپاشی دولت بشار اسد و نابودی محور مقاومت در منطقه موفق باشند. جمهوری اسلامی ایران برای تحقق اهداف سیاست خارجی خود در سوریه هزینه های مادی و معنوی زیادی پرداخت کرده است. اگر چه در مقطعی از دوره معاصر برخی صداهاى مخالف علیه رویکرد ایران در سوریه بلند شد ولی امروزه اکثر تحلیلگران و مردم عادى معتقدند پیگیری رویکردهای منطقی

ایران در منطقه و سوریه سبب افزایش جایگاه منطقه‌ای کشور شده است. حضور موثر جمهوری اسلامی ایران در سوریه، سبب تقویت موازنه قوا منطقه‌ای به نفع ایران شده است. امری که سبب واکنش‌های منفعلانه عربستان شده است.

بنظر می‌رسد ظرفیت‌های دیپلماسی کشورمان برای پیگیری راه حل بحران سوریه به نتایج مطلوبی رسیده است. طرح چهار ماده‌ای کشورمان مبنای قطعنامه ۲۲۴۴ شورای امنیت برای حل بحران سوریه قرار گرفته است. حضور ایران در نشست‌های مربوط به سوریه در وین و نیویورک، درخواست رئیس جمهور فرانسه از ایران برای مبارزه با داعش در سوریه از جمله دستاوردهای سیاست واقع‌گرایانه کشورمان در سوریه می‌باشند. امروزه بعد از اجرایی شدن توافق برجام و لغو تحریم‌ها و تعامل مثبتی که میان ایران با غرب ایجاد شده می‌توان امیدوار بود سیاست واقع‌گرایانه کشورمان در قبال سوریه به موفقیت بیشتر نزدیک شود.

در سی سال گذشته سرمایه‌گذاری سنگینی برای نزدیک شدن رابطه ایران و سوریه صورت گرفته است. منطق حکم می‌کند این رابطه حفظ شود، ولی لازمه آن بازبینی این رابطه و تعریف مجدد آن بر اساس منافع ملی است. در معادلات سیاسی بسیار متغیر و پیچیده خاورمیانه محدود کردن روابط خارجی با حاکمان یک کشور در دراز مدت منافع ملی را تامین نخواهد کرد. باید دامنه روابط خارجی را علاوه بر رهبران به ملت‌ها نیز توسعه داد. تاثیر افکار عمومی و نخبگان بر سرنوشت سیاسی یک کشور متغیر تعیین کننده در سیاست خارجی محسوب می‌شود.

منابع:

کتاب

- امامی، محمد علی (۱۳۷۶)، سیاست و حکومت در سوریه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- برزگر، کیهان (۱۳۹۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه، انتشارات وزارت امور خارجه
- دهقانی فیروز آبادی، جلال (۱۳۸۷)، چارچوب مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دانشگاه آزاد
- رسنو، نبی‌الله (۱۳۹۴)، ژئوپلیتیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
- زهره پوستین چی و ابراهیم متقی (۱۳۹۰)، الگو و روند در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه مفید
- سعیدی، ابراهیم (۱۳۷۴)، کتاب سبز سوریه (وزارت امور خارجه)، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۰)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مسائل، نشر دادگستر

مقالات

- آجورلو، حسین (۱۳۹۰)، تحولات سوریه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه
- پرچمدار، تینا (۱۳۹۲)، پشت پرده تحولات سوریه، ماهنامه بیداری اسلامی
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۲)، بررسی و نقش جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سوریه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی

- دهقانی، سید جمال الدین (۱۳۹۰)، واقع‌گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی ایران، فصلنامه سیاست خارجی
- سید امیر نیاکویی و حسین بهمنش، زمستان (۱۳۹۱)، مقاله بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها، فصلنامه پژوهشکده تحقیقات راهبردی
- سید شمس الدین صادقی و کامران لطفی، بهار (۱۳۹۴)، تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- عباسی، عزیز، تابستان (۱۳۹۴)، متغیرهای تاثیر گذار بر رویکرد ایران در قبال سوریه، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه
- مهدی نطاق پور و محمد رضا بشارتی، اسفند (۱۳۹۰) علل همگرایی بین ایران و سوریه و تأثیر آن بر امنیت سیاسی ایران، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی

سایت

- احمدی، سعیده، تارنمای ایران بازگو
- فرزندی، عباسعلی (۱۳۹۱)، اهمیت راهبردی سوریه برای جمهوری اسلامی ایران، خبرگزاری فارس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی